

(مقاله پژوهشی)

## مطالعه تطبیقی زبان زنانه و مردانه در آثار هنرمندان معاصر عرب با موضوع جنگ

صدیقه پورمختار<sup>۱</sup>، محسن مراشی<sup>۲\*</sup>

### چکیده

فمینیسم پست‌مدرن با گسترش تفاوت‌های زنانگی و مردانگی قائل به زبان زنانه است که آن را یک عامل متمایزکننده بین آثار هنری و ادبی زنان و مردان می‌داند و ویژگی‌هایی چون استفاده از نمادهای چندلایه و پیچیده، استفاده خاص از تن در آثار و وارونه ساختن ارزش‌های زیبایی‌شناختی را برای آن برمی‌شمارند. در مقابل این دیدگاه‌ها، افرادی چون لیندا ناکلین مخالف شکل‌گیری چنین زبانی در آثار زنان هنرمند هستند. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیل محتوا و با رویکرد تطبیقی در رابطه با شکل‌گیری زبان زنانه، به بررسی آثار هنرمندان معاصر زن عرب پرداخته و به دنبال پاسخ این پرسش است که آیا زبان زنانه در آثار هنرمندان زن معاصر عرب شکل گرفته است؟ بر این اساس، در کنار بررسی آثار زن عرب، آثار مردان عرب معاصر هم بررسی شده تا دستیابی به پاسخ پرسش با دقت بیشتری انجام گیرد. نمونه‌های مطالعه با موضوع جنگ انتخاب شده‌اند. از نتایج این پژوهش می‌توان به عدم شکل‌گیری زبان زنانه در این آثار و شباهت آنان با آثار هنرمندان مرد اشاره کرد.

### کلیدواژگان

زبان زنانه، فمینیسم پست‌مدرن، هنر معاصر عرب، هنر و جنگ

۱. دانش‌آموخته دکتری فلسفه هنر، مدرس مدعو دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

s.pourmokhtar@ut.ac.ir  
marasy@shahed.ac.ir

۲. عضو هیئت‌علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد. (نویسنده مسئول)  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

## مقدمه

فمینیسم مجموعه‌ای از جنبش‌های اجتماعی و سیاسی است که هدف آنها ایجاد برابری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جنسیت‌هاست. این جنبش معتقد است که جوامع در طول تاریخ، دیدگاه مردان را اولویت قرار داده و با زنان به ناحق رفتار کرده و آنان را تحت تبعیض‌های گوناگون قرار داده‌اند. تلاش فمینیسم بر آن است تا تغییراتی که شامل مبارزه با کلیشه‌های جنسیتی و ایجاد فرصت‌ها و نتایج آموزشی است، برای زنان برابر با مردان ایجاد شود (Niebrugge & Lengermann, 2011: 224-5).

جنبش زنان در ایالات متحده عموماً به موج اعتراض تبدیل شد، که هر کدام در دوره‌های زمانی مختلف با تاکتیک‌ها، ایدئولوژی‌ها و اهداف متنوع تنظیم شده‌اند. اولین موج از دهه ۱۸۴۰ شروع می‌شود. موج دوم، از اواخر دهه ۱۹۶۰ و موج سوم در دهه ۱۹۹۰ ظاهر شد. مطالعات موج اول بر جنبه‌های ساختاری و سازمانی جنبش متمرکز است. موج اول جنبش، به دنبال سیاست‌گذاری در سطح ملی و تغییر قانون‌گذاری است، که بیشتر با فعالیت زنان سفیدپوست طبقه بالا و متوسط در زمینه‌های سازمانی و تابع جناح‌ها، پس از پیروزی در حق رأی، مشخص شده است. فشار میان انتظارات اجتماعی از خانواده و تجربیات زنان در آموزش و نیروی کار، همراه با عوامل دیگر مانند ظهور چرخه جنبش‌های جدید اجتماعی که ایالات متحده و اروپای غربی را فراگرفت، منجر به ظهور مجدد جنبش در دهه ۱۹۶۰ شد (Reger 2011: 224-5). مری وولستون کرافت<sup>۱</sup> با نوشتن کتاب *حقانیت حقوق زن* (۱۷۹۲) تأثیر اصلی را بر این موج گذاشت. پس از وی، جان استوارت میل<sup>۲</sup> کتاب *تقیاد زنان* (۱۸۶۹) را نوشت که تأثیر مهم بعدی را بر این موج گذارد. نگارش این کتاب در حالی صورت گرفت که زنان در دوره ویکتوریا، در اوج سرکوب به سر می‌بردند. گسترش حقوق مدنی و سیاسی، به ویژه اعطای حق رأی به زنان، خواسته و هدف اصلی این موج بود. البته در کنار هدف اصلی، اهداف فرعی نیز داشتند؛ از جمله این اهداف می‌توان به دستیابی زنان به کار، آموزش، بهبود موقعیت زنان متأهل در قوانین، حق برابر با مردان برای طلاق و متارکه قانونی و قوانینی در خصوص مسائل جنسی اشاره کرد (Abbott and Wallace 2005: 125-7). سیمون دوبووار<sup>۳</sup> با نوشتن کتاب *جنس دوم* (۱۹۴۹) و بتی فریدن<sup>۴</sup> با نگارش کتاب *رمز و راز زنانه* (۱۹۶۳) تأثیر اصلی را در برانگیختن موج دوم فمینیسم داشتند. دستیابی به موفقیت‌هایی چون گسترش آموزش و پرورش، شایستگی زنان برای ورود به مشاغل متعدد، پرداخت

۱. Mary Wollstonecraft (1759-1797) نویسنده و ادیب انگلیسی

2. Vindication of the Rights of Women

۳. John Stuart Mill (1806- 1873) فیلسوف، نویسنده و فعال سیاسی بریتانیایی

4. Subjection of women

۵. Simon de Beauvoir (1908- 1986) نویسنده و فمینیست فرانسوی

6. Second Sex

۷. Betty Friedan (1921-2006) نویسنده و فعال اجتماعی فمینیست آمریکایی

8. The Feminine Mystique

دستمزد برابر به زنان، برخورداری از حقوق مدنی برابر موجب شد برخی از فمینیست‌ها در پی برداشتن گام‌های بعدی باشند. نجات زن هدف اصلی فمینیست‌ها در موج دوم بود، زیرا دستیابی به حقوق سیاسی و قانونی برابر با مردان مسئله زنان را کاملاً حل نکرده بود؛ بنابراین، صرف رهایی زنان از نابرابری‌ها کافی نبوده است و باید زنان را از دست مردان نجات داد. نقد دانش مردانه، نقد ساختارهای اعتقادی ریشه‌دار مانند "مردسالاری" و "قرارداد اجتماعی"، ردّ کلیت ازدواج، تأکید بر تجرد و حرفه اقتصادی، از جمله دیدگاه‌های مهم فمینیست‌ها در این موج به‌شمار می‌آورد. موج سوم فمینیسم از اوایل دهه ۱۹۹۰ آغاز می‌شود. فمینیسم، که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در اوج خود به‌سرمی‌برد، در اواخر قرن بیستم با مشکلات زیادی مواجه شد و در نتیجه، در سرازیری انحطاط افتاد. شکاف‌ها و دسته‌بندی‌های آشکاری در درون جنبش زنان به‌وجود آمدند. اندیشه‌های برخی از پسانوگراها همچون میشل فوکو<sup>۱</sup> و ژاک دریدا<sup>۲</sup> در برانگیختن این موج، تأثیر بسزایی داشتند (Heywood 2003: 268). تمرکز این موج بیشتر بر فردیت و تنوع بود (Krolokke 2005: 24). موج سوم فمینیسم همچنین درصدد به‌چالش کشیدن یا اجتناب از تعاریف ذات‌گرایانه<sup>۳</sup> موج دوم فمینیسم از موضوع زنانگی بود. به اعتقاد فمینیست‌های موج سوم، تجربیات زنان سفیدپوست طبقه‌ی متوسط، بیش از حد مورد تأکید فمینیست‌های موج دوم قرار گرفته است. (Leslie & Dark 1997: 129-133). فمینیست‌های موج سوم تمایل داشتند از تفسیری پس‌ساختارگرایانه از جنس و جنسیت استفاده کنند و معتقد بودند که تفاوت‌های روانی مهمی بین جنس‌ها وجود دارد (Gilligan 1993: 184). در میان اندیشمندان پست‌مدرن و متأثر از موج سوم، لوئیس اریگاری<sup>۴</sup>، ژولیا کریستوا<sup>۵</sup> به تعریف مفاهیمی از جمله "زبان زنانه"<sup>۶</sup> پرداختند تا تمایزی بیش از تمایز جنسیتی ایجاد کنند. در بخش مبانی نظری و مبحث زبان زنانه به این مفهوم بیشتر پرداخته می‌شود.

## پیشینه پژوهش

پیشینه این پژوهش، در دو بخش بررسی شده است؛ ابتدا زبان زنانه و سپس آثار هنری زنان معاصر عرب. در رابطه با موضوع زبان زنانه مقالات مختلفی در سال‌های اخیر به‌چاپ رسیده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مقاله قدرت‌اله طاهری با عنوان «زبان و نوشتار زنانه؛ واقعیت یا توهم؟»

۱. Michel Foucault (1926-1984) فیلسوف، تاریخ‌دان، و متفکر فرانسوی

۲. Jacques Derrida (1930- 2004) فیلسوف فرانسوی

3. Essentialism

۴. Luce Irigaray (1930) فمینیست، زبانشناس و نظریه‌پرداز فرهنگی اهل بلژیک

۵. Julia Kristeva (1941) فیلسوف، منتقد ادبی و روان‌کاو که تأثیر فراوانی بر فمینیسم و مطالعات ادبی فمینیستی و

خوانش هنر معاصر گذاشته است

6. Parler Femme

(۱۳۸۸) به امکان وجود زبان زنانه می‌پردازد. در دو مقاله «بررسی زبان زنانه و مردانه در رمان سووشون بر پایه نظریه لیکاف» (۱۳۹۴) به قلم شیرزاد طایفی و مجتبی سلطانیان و «زنانه‌سرایي در شعر عربی، روندی نوظهور با پیشینه‌ای کمرنگ» (۱۳۹۶) اثر علی پروانه و علی سلیمی، نویسندگان به تمایز میان زبان زنانه و مردانه در شعر و رمان پرداخته‌اند. «بررسی گونه‌های کاربردی زبان زنانه در مرثیه معاصر با تأکید بر مرثیه‌های سعاد صباح» نیز پژوهشی است از کبری روشنفکر و دیگران (۱۳۹۲) که به بررسی کاربرد زبان زنانه در مرثیه می‌پردازد. مقاله دیگری با عنوان «بازنمایی زن در آثار زنان نقاش معاصر ایران با تأکید بر نگاه جنسیتی» (۱۳۹۰) که سارا شریعتی مزینانی و مریم مدرس صادقی نگاشته‌اند، به سنجش نگاه جنسی یا غیر جنسی به زنان پرداخته شده است. «بررسی ویژگی‌های زبان زنانه در مقایسه با زبان مردانه در ترجمه رمان» عنوان مقاله‌ای است از زهرا تقدیمی نوغانی و ابراهیم عزتی (۱۳۹۴) که به بررسی و مقایسه متن‌های ترجمه‌شده مترجمان زن و مرد با استفاده از الگوی فرکلاف و لیکاف می‌پردازد. در مقاله «نقاشی زنان؛ نقاشی زنانه مقایسه به‌کارگیری شگردهای بصری و سبک‌های هنری در نقاشی زنان و مردان» نویسندگان، محمدرضا مریدی و معصومه تقی‌زادگان (۱۳۸۸) بدون محدود شدن به پیش‌فرض‌های هنر زنانه و مردانه به مطالعه تفاوت‌های نقاشی‌های زنان و مردان می‌پردازند. در مقاله مهنروش مددی و محمدرضا مریدی (۱۳۹۶) با عنوان «تاریخ غایب زنان نقاش ایران: مطالعه جامعه‌شناختی زنان نقاش؛ از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی» نویسندگان به بررسی آثار نقاشان زن ایرانی در فاصله میان این دو انقلاب پرداخته و به یک الگو و تقسیم‌بندی برای مطالعه آثار دست‌یافته‌اند. «صورت‌بندی مؤلفه‌های آثار نقاشی زنان ایران در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰» عنوان مقاله‌ای است از جواد علی‌محمدی اردکانی و مرجان ادراکی (۱۳۹۵) که به صورت‌بندی آثار نقاشی زنان معاصر ایران در دو دهه ۷۰ و ۸۰ می‌پردازد.

دینا لطفی<sup>۱</sup> (2019) در مقاله خود با عنوان Bridging the Gap Between Modern and Contemporary Arab Art and Arab People در جست‌وجوی راهی است که با برقراری ارتباط میان مردم عرب و هنر معاصر عرب، گفت‌وگو کند و گفتمانی برای شناساندن این هنر و تولید بیشتر این آثار هنری ایجاد کند. حنان توکان<sup>۲</sup> (2019) در مقاله خود با عنوان On Being the Other in Post-Civil War Lebanon: Aid and the Politics of Art in Processes of Contemporary Cultural Production به بررسی سیاست‌گذاری‌های هنری و تولید آثار هنری معاصر لبنان می‌پردازد. الیزابت ای. بلوم‌فیلد<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) در پایان‌نامه خود با عنوان Gender Role Stereotyping and Art Interpretation به بررسی نقش جنسیت در تفسیر اثر هنری می‌پردازد.

ملاحظه می‌شود که در پژوهش‌های پیش‌گفته، به زبان زنان بیشتر در آثار ادبی چون شعر، رمان و مرثیه پرداخته شده است و یا به تمایز ترجمه زن و مرد از یک متن، که بیشتر به مقوله زبانی اشاره

---

1. Dina Lutfi  
2. Hanan Toukan  
3. Elizabeth A. Bloomfield

دارد. در مقاله‌هایی هم که در ارتباط با هنر پرداخته شده، طی یک پژوهش میدانی کوشش شده از تعدادی آثار زنان و مردان به یک تقسیم‌بندی و تمایز میان آنها نزدیک شوند. بخش دیگری از پیشینه مرتبط با آثار هنری زنان عرب است که تا زمان نگارش این پژوهش هیچ پژوهش داخلی در این رابطه به ثبت نرسیده بود و آنچه هم که در اینجا آورده شده، نگاهی کلی به هنر معاصر عرب، و نه اختصاصاً هنرمندان زن عرب، دارد و موضوعاتی همچون وجه گفتمانی هنر عرب معاصر و یا تلاش در بهبود شرایط تولید آثار هنری مورد توجه قرار گرفته و در مقاله آخر نیز تنها تفاوت تفسیرهای زنان و مردان از آثار هنری بررسی شده که عوامل مختلفی را می‌تواند شامل شود.

اما در پژوهش حاضر، اصطلاح زبان زنانه برگرفته از آرای فمینیست‌های پست‌مدرن به‌عنوان مبنای نظری انتخاب شد و براساس آرای موافقان و مخالفان این زبان، ویژگی‌ها و شاخص‌هایی برای آن تعیین گشت و سپس آثار هنری زنان و مردان معاصر عرب با این شاخص‌ها تطبیق داده شدند. انتخاب چنین موضوعی و بررسی هنر معاصر عرب از نوآوری‌های این پژوهش، هم در روش و هم در انتخاب موضوع، بوده است که می‌تواند راه‌گشای پژوهش‌های بعدی در این زمینه باشد.

## روش تحقیق

این مقاله پژوهشی کیفی است و از روش تحلیل محتوای کیفی برگرفته از مبانی نظری، جهت بررسی نمونه‌ها بهره برده و پژوهش به‌روش توصیفی تحلیلی و با رویکردی تطبیقی انجام گرفته است. جمع‌آوری اطلاعات به‌شیوه کتابخانه‌ای و ابزار جمع‌آوری اطلاعات از طریق یادداشت‌برداری است. همچنین این پژوهش براساس مقولات و شاخص‌های برگرفته از مبانی نظری به بررسی آثار زنان و مردان هنرمند معاصر از کشورهای عرب پرداخته، شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری زبان زنانه در آثار هنرمندان زن عرب را وامی‌کاود. به این شکل که ابتدا در بخش مبانی نظری، مباحث مربوط به زبان زنانه – که از سوی موافقان و مخالفان آن مطرح شده – بیان می‌شود و سپس از میان این مواضع شاخص‌هایی از هر دو طرف تعیین می‌شود. در بخش بررسی آثار ابتدا آثار هنرمندان مرد و سپس آثار زنان هنرمند با شاخص‌های تعیین‌شده مطابقت داده می‌شود تا مشخص شود که آثار انتخابی را در ذیل کدام گروه (موافقان یا مخالفان زبان زنانه) می‌توان قرار داد.

جامعه آماری این پژوهش آثار هنری معاصر (۱۰۰ سال اخیر) کشورهای عرب با موضوع جنگ است. با توجه به موضوع مقاله برای بررسی شکل‌گیری زبان زنانه در آثار هنرمندان زن لازم بود آثار هنرمندان مرد و هم‌عصر آنان انتخاب و به‌صورت تطبیقی بررسی شود. از آنجا که پژوهش حاضر یک پژوهش تبیینی است نه تعمیمی، روش‌گزینش نمونه‌ها به شیوه انتخابی صورت پذیرفته و تعداد ۱۰ اثر از هنرمندان مرد و ۱۰ اثر از هنرمندان زن معاصر از کشورهای مختلف عرب انتخاب شده‌اند. بیشتر آثار از سایت‌های رسمی این هنرمندان و برخی هم از سایت‌های معتبر هنری انتخاب شده‌اند. در

گزینش آثار هنری کوشش شده از آثار هنرمندان همه کشورهای عرب استفاده شود. یکی از مفاهیمی که قائلان به زبان زنانه بر آن تأکید دارند، مفهوم «بیزاری» است که افراط این احساس در آثار هنری و ادبی، یکی از عناصر و پایه‌های زبان زنانه را تشکیل می‌دهد. براین اساس، در این پژوهش به بررسی آثاری پرداخته شده است که موضوع آنها جنگ است، زیرا به یقین می‌توان گفت که یکی از اولین واکنش‌هایی که نسبت به جنگ وجود دارد بیزاری است. این پژوهش با یک بررسی بی‌طرفانه ابتدا به واکاوی دیدگاه‌های مبتنی بر وجود زبان زنانه و سپس بررسی مخالفان آنها پرداخته و بر این مبنا با رویکردی تطبیقی دیدگاه‌های مخالف و موافق را به بوتۀ آزمایش کشیده است. در این پژوهش با توجه به دیدگاه‌های موافقان و مخالفان زبان زنانه کوشش شده برای این اصلاح ویژگی‌هایی تعیین شود تا براساس آنها با توجه به آثار هنری، بتوان شکل‌گیری این زبان را ردیابی کرد؛ بنابراین ابتدا مقصود از زبان زنانه، با تکیه بر آرای فمینیست‌های پست‌مدرن، تعیین می‌شود. از آنجا که آثار هنری هم از جنبه صوری (عناصر و فرم‌های شیوه نمایش تصویری اثر) و هم محتوایی (موضوع، مضمون و نوع ارتباط هنر و جنگ) بررسی می‌شوند، جدول‌هایی بر همین اساس تنظیم شد تا موارد تطبیق داده‌شده، آسان‌تر بررسی شوند. در بخش محتوایی جدول‌ها به بررسی نوع ارتباط جنگ و هنر پرداخته شده و جهت روشن‌تر کردن بحث (وجه محتوایی اثر هنری)، در بخش مبانی نظری بخشی با عنوان هنر و جنگ در نظر گرفته شد که به ارتباط محتوایی هنر و جنگ می‌پردازد. درنهایت، یافته‌ها با تکیه بر چارچوب نظری تحلیل و نتیجه‌گیری شده‌اند.

## مبانی نظری تحقیق

### زبان زنانه

اصطلاح زبان زنانه را می‌توان در آرای فمینیست‌های پست‌مدرن به‌ویژه لوسی اریگاری و ژولیا کریستوا ریشه‌یابی کرد. اریگاری در مطالعات خود، در آغاز به مباحث زیبایی‌شناسی پرداخت، اما به تدریج به‌واسطه مباحثی که درباره زبان به میان کشید، هنر را ابزاری برای بیان ذهن زنانه تلقی کرد. اریگاری معتقد است که در فلسفه، همه‌چیز به تقابل‌های دوگانه تقسیم می‌شود. ارزش‌ها تنها به یک سمت اختصاص دارند و سوپه دیگر، به دیگری تبدیل می‌شود. اولین و پایه‌ای‌ترین این تقابل‌ها، تقابل جنسیتی بین زن و مرد است که در آن مردانگی واجد ارزش و زنانگی آینه‌ای است که مردانگی را تأیید می‌کند (Irigaray 1985: 304-5). در طول تاریخ، ذهنیت بشریت با همین گفتمان شکل گرفته است و اگر بخواهیم گفتمانی با زبان جدید زنانه را جایگزین این گفتمان کنیم، با شکست مواجه می‌شویم. راه‌حل اریگاری این است که یک بازی با گفتمان نرینه‌محور، و طبق قواعد خودش انجام دهد، که هدفش به‌سخره‌گرفتن و نشان‌دادن تناقض‌های درونی و درنهایت رساندن آسیب درونی به آن است. در این بازی، آینه چیزی شبیه و یکسان به‌دست نمی‌دهد، بلکه می‌چرخد، اعوجاج دارد و تصاویری آشفته،

مضحک، مبهم و نابه‌جا را نشان می‌دهد تا ذهنی را که نرینه‌محور است، گیج کند (Irigaray 1985: 353-5). اریگاری با تأکید بر توانایی زنان در به‌دنیا آوردن فرزند، معتقد است که زنان می‌توانند چیزهایی چون هنر، فکر، کلمات و زبان را متولد کنند و با ایجاد فضایی زنانه، به بالندگی دست‌یابند (Irigaray 1993: 18-20).

او نقدهای سنتی فلسفی را به خود زبان می‌کشد و ایده «بسان یک زن سخن‌گفتن» را مطرح می‌کند. از طرف دیگر اریگاری بدن زنانه را کانون بیانگری هنری می‌داند، به‌عبارت دیگر موضوع قرارگرفتن تن در آثار هنری و ادبی از منظر وی نوعی زبان زنانه به حساب می‌آید. اریگاری در این بحث به جای مفهوم "والایی"<sup>۱</sup> کلاسیک و متزلزل ساختن جایگاه آن، ابژه‌های بیزارکننده را برجسته می‌سازد که تا این زمان نشان‌دانی نبودند. در این سخن‌گفتن از بدن هم بدون توجه به اندام‌های بیرونی، بر بخش‌های درونی نیز، که گرم، تاریک و چسبناک هستند، تمرکز می‌کند و آگاهانه بی‌توجه به زیبایی کلاسیک، تا رازآمیز و غیرعادی بودن پیش می‌رود (کرس میر ۱۳۹۰: ۲۷۶-۲۸۷).

ژولیا کریستوا در مباحث خود پیرامون زبان زنانه و بحث بیزاری، از واژه‌ی *abject* استفاده می‌کند که به معنی بیرون راندن در لاتین است. کریستوا معتقد است این روند بیرون راندن باید صورت پذیرد تا کیستی ذهنی و فردی شکل بگیرد و آن را با ارتباط میان مادر و فرزند شرح می‌دهد، که با بدن مادر و کودک آغاز می‌شود؛ کودک از بدن مادر بیرون رانده می‌شود و کودک راه یافتن به کیستی خود را در فرایندی در پیش می‌گیرد. این خود و خویشتن نظامی پویا ولی در عین حال سست و شکننده است که استقلال آن باید همیشه محافظت شود. یکی از عناصری که به این استقلال ضربه می‌زند، بیزاری است. بیزاری از ابژه‌هایی پدید می‌آید که مرزهای آن ناروشن و گنگ است. *abject* در این روند دستخوش فرسودگی، پوسیدگی و گندیدگی می‌شوند؛ بنابراین این روند بیرون راندن باز بیکران و هراس‌آور است، اما در عین حال پیش‌نیازی برای کیستی ذهنی است تا پرورش یابد و برای هستی یافتن هر خود و خویشتنی لازم است، اما در این روند دستیابی به کیستی و خود و خویشتنی چیزی هم از دست می‌رود که در مثال مادر مهر سرشار مادرانه که با رانده‌شدن از بدن مادر که به‌صورتی یک تن بودند و هیچ مرزی میان آنها نبود، کم‌کم کاهش می‌یابد. از نظر کریستوا، این نوع از حس بیزاری می‌تواند در آثار هنری نمود یابد و در برخی آثار بیماری، پیری و مرگ و... حالت بیزاری را تداعی کند. گاهی این حس به‌سختی و مضمض‌کننده به تصویر کشیده می‌شود. هنر با پیش‌کشیدن این امور آلوده و چندان‌آور که برای از بین بردنشان تلاش می‌کند، نقش تطهیر و تهذیب‌کننده را برعهده می‌گیرد (مک‌آفی ۱۳۹۲: ۷۵-۸۲).

در برخی آثار هنر فمینیستی بر میرایی هستی فیزیکی تأکید می‌شود و آن را با آرامش‌زدایی، بیزارکننده و چندان‌آور به تصویر می‌کشند؛ تصاویری که آگاهانه آرامش را برهم می‌زنند و بیزاری را

می‌آفرینند. از این منظر بیزاری همچون واکنشی زیبایی‌شناختی برای هنرهایی که می‌خواهند در موضوعی اغراق کنند و یا آن را از ریخت بیاندازند، مناسب است. به‌عنوان مثال در این نوع هنرها به‌جای استفاده از قواعد کلاسیک در رابطه با تن، تصاویری از بدن زخم‌خورده و خونین، پیر و فرتوت، چرکین و آلوده را به نمایش می‌گذارند (کرس‌میر ۱۳۹۰: ۲۸۴).

در حوزه زبان، لیکاف<sup>۱</sup> به تمایز میان زبان زنانه و مردانه قائل است و آن را در چهار سطح زبانی آوایی، واژگانی، دستوری و ارتباطی بررسی و در هر بخش برای زبان زنانه ویژگی‌هایی متمایز مطرح می‌کند؛ نامفهوم بیان کردن حروف صدادار (آوایی)، استفاده بیشتر از صورت‌های عاطفی کلام (واژگانی)، استفاده بیشتر زنان از پرسش‌های غیرمستقیم و کوتاه (دستوری)، استفاده بیشتر (نسبت به مردان) از لحن غیرمستقیم و مؤدبانه (ارتباطی) (Lakoff 1973: 24).

با توجه به مباحث مطرح‌شده می‌توان ویژگی‌های زبان زنانه را این چنین جمع‌بندی کرد؛ این زبان قواعد حاکم را به‌سخره می‌گیرد و در مباحث زیبایی‌شناسی تلاش می‌کند با استفاده از نمادهای پیچیده، مبهم و گاه نامفهوم، تصاویر آشفته، مبهم و گیج‌کننده، تناقض‌های درونی را جلوه‌گر کند. آثار و یا فضایی که زبان زنانه آنان را خلق می‌کند، هرگز مانند آینه عمل نمی‌کنند و شبیه آثار مردان نیستند. تن و تابوها در این زبان مورد توجه قرار می‌گیرد، و گاه به‌قدری افراطی‌اند که حس بیزاری چندان‌آوری را القا می‌کنند.

لیندا ناکلین<sup>۲</sup> از طرف دیگر به سبک و یا زبان متمایز زنان نسبت به مردان که بر ویژگی‌های خاص و تجربه آنان اشاره دارد، قائل نیست. از نظر وی، صرف انتخاب یک‌سری قلمرو جهت موضوعات خاص و یا محدودیت برای آنها، نباید به یک سبک برابر تبدیل شود، چه برسد به نوعی از سبک کاملاً زنانه. این برداشت فمینیست‌های پست‌مدرن از نظر ناکلین نوعی برداشت شخصی آنان بوده و معتقد است که آنان از چپستی هنر برداشت درستی نداشته‌اند. از این منظر زن بودن هنرمند خصوصیتی است مانند ملیت، سن، ... از نظر وی تمایز میان سبک زنانه و مردانه در خلق آثار هنری براساس یک طبقه‌بندی کلیشه‌ای بوده و بنابر دلایل مختلفی از قبیل شرایط اجتماعی، نژاد، ملیت و ... متفاوت است. به‌زعم او آثار هنرمندان زن هر دوره به آثار دوره خودشان شبیه است (Nochlin 1989: 174)؛ بنابر نظریات ناکلین، می‌توان دلایل مخالفت وی با شکل‌گیری زبان زنانه و یا حتی با ماهیت این مفهوم را در دلایل زیر خلاصه کرد:

آثار خلق‌شده زنان هنرمند شبیه آثار هم‌عصر خود هستند، و اگر هم در آثاری تفاوتی احساس می‌شود، تنها در تجربیات متفاوت هنرمندان از جهان اطرافشان و نحوه آموزش آنها با یکدیگر است و چه‌بسا که این تفاوت را حتی بتوان در آثار دو هنرمند مرد هم مشاهده کرد.

1. Robin Lakoff  
2. Linda Nochlin



## رابطه جنگ و هنر

شاید بتوان جنگ را مخرب‌ترین فعالیت شناخته‌شده بشریت دانست. هدفش استفاده از خشونت است و پیامدهایی چون غارت، مهاجرت اجباری، زخمی‌شدن، گرسنگی و کشته‌شدن را در پی دارد تا مخالفان مجبور به تسلیم شوند. هنر تجسمی رابطه دیرینه‌ای با جنگ دارد و هم در محکومیت و هم در ترویج آن نقش اساسی دارد. داوون برانکاتی<sup>۱</sup> ارتباط میان هنر و جنگ را در چند سطح معرفی می‌کند: استفاده از هنر برای تقویت جنگ؛ حکومت‌ها هنرمندان را مأمور کرده‌اند که تبلیغاتی را برای ایجاد پشتیبانی مردمی از جنگ ایجاد کنند. این هنرمندان در کارهای خود طرف مقابل را پرخاشگر، قدرتمند و وحشی توصیف کرده‌اند تا خصومت و ترس را برای طرف مقابل ایجاد کنند. آنها برای برانگیختن حس ملی‌گرایی و غرور در میان هموطنان، پیروزی‌های میدان جنگ را به تصویر کشیده‌اند و برای تأکید بر لزوم حمایت مداوم، تلفات جنگ را برای سربازان و شهروندان ترسیم کرده‌اند. از هنر برای مقابله با جنگ استفاده می‌شود، همان‌طور که دولت‌ها به هنرمندان سفارش داده‌اند تا از جنگ حمایت کنند، سازمان‌های ضد جنگ نیز هنرمندان را مأمور تضعیف همدردی با جنگ و حمایت مادی کمتر از آنها کرده‌اند. البته بسیاری از هنرمندان نیز برای تحریک صلح، به‌طور مستقل هنر تولید کرده‌اند. این هنرمندان در کار خود بر لزوم خاتمه بخشیدن به جنگ‌ها با به‌تصویر کشیدن وحشی‌گری جنگ تأکید کرده‌اند. هنر برای تسکین پس از جنگ استفاده می‌شود. پس از پایان جنگ‌ها، از هنر برای جمع‌آوری کمک‌های مالی برای سربازان آسیب‌دیده در جریان جنگ‌ها و کمک به پناهندگان آواره استفاده شده است. همچنین از هنر جهت ایجاد اشتغال برای رزمندگان سابق و بازتوانی عاطفی رزمندگان سابق استفاده شده است. هنرمندان حتی از اسلحه‌های جنگ برای ساخت آثار هنری استفاده کرده‌اند (Brancati 2018). براین اساس می‌توان ارتباط بین هنر و جنگ را چنین برشمرد؛ مقابله و مخالفت با جنگ، تقویت مبارزه، تسکین و امید پس از جنگ، ایجاد روحیه برای رزمندگان جنگ و تجلیل از فداکاران جنگی.

## تحلیل آثار

پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل آثاری از هنرمندان عرب می‌پردازد که با موضوع جنگ خلق شده‌اند. کشورهای عرب ۲۲ کشور را دربرمی‌گیرند که زبان رسمی و یا یکی از زبان‌های رسمی آنها عربی است. این کشورها شامل کشورهای عراق، سوریه، لبنان، اردن، عربستان سعودی، بحرین، قطر، امارات، عمان، یمن، کویت، مصر، لیبی، تونس، الجزایر، مراکش، موریتانی، سودان، سومالی، فلسطین، جیبوتی و مجمع‌الجزایر قمر هستند (Lutsky 1960: 353-355). برخی از این کشورها درگیر جنگ‌هایی بوده‌اند

1. Dawn Brancati

که هنرمندان آنها به شیوه‌های مختلف به این موضوع پرداخته‌اند. با توجه با ماهیت این پژوهش ابتدا آثار هنرمندان مرد و سپس آثار هنری زنان عرب، هم از نظر صوری و هم از نظر موضوع و محتوا، بررسی می‌شود تا شکل‌گیری زبان متمایز در آثار هنری آنها مشخص گردد. در این تحلیل کوشش شده آثاری از تمام کشورهای عربی انتخاب شوند.

جدول شماره ۱- آثار هنری مردان عرب با موضوع جنگ - طراح: نگارندگان

موضوع و محتوا / نوع رابطه با جنگ	عناصر و فرم‌های شیوه نمایش تصویری اثر	هنرمند/ کشور/ سال	اثر / منبع	
مراسم تشییع شهید، احترام به شهیدان، تخریب‌گری جنگ / تجلیل از فداکاران جنگی	فضای دوبعدی، رنگ سیاه و قرمز، ردیف تشییع‌کنندگان، حالت غمگین، خطوط و رنگ‌ها در خدمت موضوع	محمود صبری / عراق / ۱۹۶۱	 barjeelartfoundation.org	۱
تخریب‌گری جنگ، فداکاری برای دفاع از میهن / تجلیل از فداکاران	فضای دوبعدی، پس‌زمینه تیره، تنوع رنگ‌ها در پرتره، نگاه خیره به مخاطب	دیال‌الزاوی / عراق / پرتره شهید / ۱۹۹۹	 azzawiart.com	۲
تخریب‌گری جنگ، ایجاد وحشت و پریشانی / مقابله و مخالفت با جنگ	فضای دوبعدی، سلاح‌های کشتار جمعی، همخوانی فضا و رنگ‌ها با موضوع، ورود هواپیمای جنگی از فضای بالای کادر، استفاده از خطوط اکسپرسیونیستی	ویسام‌الجزاری / سوریه / ۲۰۱۳	 syriauntold.com/2013/09/19/wissam-al-jazairy/	۳
تخریب‌گری جنگ، معصومیت، کودکان و قربانی شدن آنها / مقابله و مخالفت با جنگ	تیرگی پس‌زمینه، استفاده از نماد بال فرشته	امرفهد / سوریه / ۲۰۱۲	 en.syriaartasso.com/artists/amr-fahed	۴

۱. Mahmoud Sabri (1927-2012) نقاش عراقی و از پیشگامان هنر مدرن عراق.
۲. Dia Azzawi (1939) نقاش و مجسمه‌ساز عراقی و از پیشگامان هنر مدرن عربی.
۳. Wissam Al Jazairi (1990) هنرمند سوری.
۴. Amr Fahed (1982) نقاش و مجسمه‌ساز سوری.


<p>رعب و وحشت حاصل از جنگ، تأکید تأثیرات منفی جنگ بر کودکان، تخریب‌گری جنگ / مقابله و مخالفت با جنگ</p>	<p>فضای تیره و روشن، ردیف سربازان با اسلحه با رنگ تیره، ایجاد فضای خشونت‌بار، کودک شاهد این خشونت، تمرکز نور بر کودک</p>	<p>حلیم‌کسیم<sup>۱</sup> / عراق / ۲۰۱۱</p>	 <p>iraqi-art.com/gallery/</p>	<p>۵</p>
<p>تمرکز بر وسایل جنگی، تخریب‌گری در جنگ، از بین رفتن یک سرزمین با اسلحه‌ای کوچک / مقابله و مخالفت با جنگ</p>	<p>فرمی از اسلحه که رو به سرزمینی نشانه رفته است، تأکید بر قدرت تخریب‌گری اسلحه با فضایی که اشغال کرده، تیرگی اسلحه</p>	<p>محمدمسیر<sup>۲</sup> / عراق / ۲۰۰۵</p>	 <p>iraqiart.com/gallery/gallery2.html</p>	<p>۶</p>
<p>ویژگی تخریب‌گری جنگ‌ها، از بین رفتن آینده، تأثیرات مخرب جنگ بر حال و آینده / مقابله و مخالفت با جنگ</p>	<p>بمب در حال افتادن از آسمان، استفاده نمادین از کودک</p>	<p>ویسام الجزیری / سوریه / ۲۰۱۰</p>	 <p>syriauntold.com/2013/09/19/wissam-al-jazairy</p>	<p>۷</p>
<p>کنایه به مدعیان ظاهری صلح، تأکید بر واژگون شدن مفاهیم صلح، جنگ‌افروزی کبوتر (نماد صلح) / مقابله و مخالفت با جنگ</p>	<p>استفاده از نماد صلح کبوتر، استفاده کنایه‌آمیز از نماد صلح زیتون، استفاده از فشنگ به جای شاخه زیتون</p>	<p>تمام اعظم<sup>۳</sup> / سوریه / ۲۰۱۳</p>	 <p>tammamazam.com/</p>	<p>۸</p>
<p>وضعیت دائمی آوارگان فلسطینی، حالت ناامیدی از آینده، مبهم ساختن آینده برای زنان و کودکان، حالت پریشانی و غم در سازندگان آینده / مقابله و مخالفت با جنگ</p>	<p>زنان و کودکان در جامه‌های تیره، استفاده از چهره‌های اکسپرسیونیستی برای نشان دادن غم، پاهای برهنه و چهره‌های درهم و پریشان</p>	<p>لوی کیالی<sup>۴</sup> / سوریه / ۱۹۹۶</p>	 <p>louaykayali.com/home.htm</p>	<p>۹</p>

۱. Haleem Kasim (1977) نقاش و طراح عراقی.

۲. Mohammed Mssayer (1963) نقاش و طراح عراقی.

۳. Tammam Azzam (1990) نقاش و گرافیست سوریه.

۴. Louay Kayyali (1934-1978) نقاش سوریه.

<p>ترغیب به دفاع از آزادی، قاطعیت مبارزان در هدف، حمایت از مردم سرزمین/ تقویت روحیه مبارزه و دفاع</p>	<p>استفاده نمادین از مبارزان آزادی، استفاده از رنگ‌های سبز و سفید، قدرت آرمانی مبارزان</p>	<p>نعمیم اسماعیل<sup>۱</sup> / سوریه / ۱۹۶۹</p>	 <p>al-bab.com/artwork/naim-ismail</p>	<p>۱۰</p>
---	--	---	--	-----------

در جدول شماره ۱ که مربوط به آثار با موضوع جنگ هنرمندان معاصر مرد عرب است، تعداد ۱۰ نمونه بررسی شد که آثار با موضوعات مختلفی چون شهیدان، ایجاد رعب و وحشت، کودکان و زنان و آثار تخریب جنگ بر آنها، در خطر قرار گرفتن نسل‌های آینده با تأثیرات مخرب جنگ و تجلیل از مبارزان خلق شده‌اند. در ارتباط با کیفیات بصری و ویژگی‌های صوری در برخی آثار از سبک اکسپرسیونیستی استفاده شده است تا بتوانند وضعیت را با استفاده از این شیوه بهتر و عمیق‌تر به تصویر بکشند. استفاده از نمادهایی همچون صلح (کبوتر) و یا جنگ‌افروزی در آثار به‌کاررفته است و همچنین استفاده از رنگ‌های تیره که تداعی‌کننده غم و پریشانی و یا رنگ سفید که به‌صورت نمادین معصومیت و بی‌گناهی کودکان را نمایش می‌دهد و از تیرگی‌های موجود در جنگ متمایز است، از دیگر ویژگی‌های صوری این آثار هستند.

#### جدول شماره ۲- آثار هنری زنان عرب با موضوع جنگ - طراح: نگارندگان

موضوع و محتوا / نوع ارتباط با جنگ	عناصر و فرم‌های شیوه نمایش تصویری اثر	هنرمند / کشور / سال تولید اثر	اثر / منبع	
غم و پریشانی از جنگ، نابسامانی و بیچارگی / مقابله و مخالفت با جنگ	فضای دوبعدی، پیکره‌های دربند در یک ردیف، رنگ غالب سیاه، سرهای افتاده، بیان غم در چهره‌ها، حالت تعلیق	هیف کهرمان <sup>۲</sup> / عراق / ۱۹۹۷	 <p>hayvkahraman.com/project/wor-ks-on-paper</p>	۱
تلاش برای صلح / مقابله و مخالفت با جنگ و تجلیل از مبارزان	فضای دوبعدی، استفاده از نماد، تعامل انسان و پرندۀ صلح، استفاده از فضای تیره و روشن	ثریا البقمی <sup>۳</sup> / کویت / ۱۹۹۲	 <p>thurayaalbaqsami.com</p>	۲

۱. Naim Ismail (1930-1979) نقاش سوری

۲. Hayv Kahraman (1991) طراح، نقاش و مجسمه‌ساز عراقی.

۳. Thuraya Al-Baqami (1952) هنرمند و نویسنده کویتی.

<p>تخریب‌گری مادی و معنوی (فرهنگی) جنگ / مقابله و مخالفت با جنگ</p>	<p>فضای چندساحتی، فضای چندزمانی، استفاده از رنگ‌ها به‌صورت نمادین، ترک‌های زمین، پای قطع‌شده و سایر عناصر تخریب‌شده حالت غم و غصه</p>	<p>عفیفة البی / عراق / ۱۹۹۱</p>	 <p>afifaaleiby.com</p>	<p>۳</p>
<p>تأکید بر تأثیر جنگ بر کودکان، نادیده گرفته‌شدن صلح و کودکان / مقابله و مخالفت با جنگ</p>	<p>عناصر جنگ مثل سیم خاردار، خانه‌های خراب‌شده کودک آواره، کیوتران اما بدون چشم، نقش نمادین رنگ‌ها: سیاه و قرمز، در آن سوی کیوتران (صلح) سبزی و خرمی</p>	<p>تمام الاخال / فلسطین / ۲۰۰۷</p>	 <p>tamam-alkhal.com</p>	<p>۴</p>
<p>حمایت از سرباز مدافع وطن، ترغیب به مقابله با دشمن / تجلیل از مبارزان</p>	<p>تمرکز بر بافت، شیوه اکسپرسیونیسم، سربازی در حال جنگ، استفاده از رنگ‌های مکمل</p>	<p>انجی افلاطون / مصر / ۱۹۷۰</p>	 <p>encyclopedia.mathaf.org.qa/en/bios/Pages/Inji-Efflatoun.aspx</p>	<p>۵</p>
<p>آسیب جنگ به دین و بناهای شهری (تمدنی)، نشان‌دادن تخریب‌های جنگ / مقابله و مخالفت با جنگ</p>	<p>فضای دوبعدی، رنگ غالب خاکستری، استفاده نمادین از رنگ قرمز، نشانه‌های دینی</p>	<p>سعاده الجندی / لبنان / ۲۰۱۳</p>	 <p>souadjundi.com/contact.php</p>	<p>۶</p>
<p>آسیب‌های جنگ، برگشت اهداف خصمانه به خود / مقابله و مخالفت با جنگ</p>	<p>مجسمه‌های کوچک به‌هم‌پیوسته به‌صورت دو دایره به‌هم‌چسبیده، رنگ تیره</p>	<p>مونا حاتوم / فلسطین / بی‌نهایت / ۲۰۰۸</p>	 <p>artsy.net/artist/mona-hatoum</p>	<p>۷</p>

۱. Afifa Aleiby (1953) هنرمند عراقی.
۲. Tamam Al-Akhal (1953) نقاش فلسطینی.
۳. Inji Aflatoun (1924-1989) نقاش و فعال اجتماعی مصری.
۴. Souad Aljundi (1962) نقاش لبنانی.
۵. Mona Hatoum (1952) هنرمند در زمینه‌های چندرسانه، چیدمان مجسمه‌سازی اهل فلسطین.

تجلیل از مدافعان میهن، تشییع پیکر شهید/ تجلیل از فداکاران	فضای دوبعدی، استفاده از رنگ‌های روشن، استفاده نمادین از رنگ‌ها	لیلا نصیر <sup>۱</sup> سوریه / ۲۰۰۳	 barjeelartfoundation.org	۸
تجلیل از شهیدان و خانواده آنها، نقش حمایتی خانواده شهدا/ تجلیل از فداکاران	فضای دوبعدی، فضای تیره و روشن، استفاده نمادین از رنگ قرمز، لبخند رضایت	نزیبه سلیم <sup>۲</sup> عراق / ۱۹۸۲	 artnet.com/artists/nezaha-selim	۹
تخریب‌گری جنگ، ایجاد وحشت پریشانی / مقابله و مخالفت با جنگ	فضای دوبعدی، سلاح‌های کشتار جمعی، همخوانی فضا و رنگ‌ها با موضوع، ورود هواپیمای جنگی از فضای بالای کادر	هدی لطفی <sup>۳</sup> مصر / ۲۰۰۸	 barjeelartfoundation.org/artist/egypt/huda-lutfi	۱۰

## بررسی شکل‌گیری زبان زنانه

در بررسی آثار زنان عرب که در جدول شماره ۲ آمده است، مضامینی چون حالت تعلیق و پریشانی حاصل از جنگ و تخریب همه جنبه‌های انسانی ناشی از آن، تأثیر جنگ بر کودکان و زنان و تجلیل از مدافعان وطن و خانواده‌های آنها مشاهده می‌شود. در ارتباط با ویژگی‌های بصری و صوری آثار هم می‌توان به استفاده‌های نمادین از رنگ‌های روشن برای شهیدان، و فضای تیره و خاکستری برای فضاها و تخریب‌های حاصل از جنگ و استفاده از عناصری همچون کبوتر، سیم خاردار و ... که جنگ و جنگ‌افروزی را محکوم می‌کند، اشاره کرد. در برخی آثار، چون اثر شماره ۵، از سبک اکسپرسیونیستی برای تأثیر بیشتر این فضا استفاده شده است. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده و با تطبیق آثار زنان و مردان هنرمند عرب و تطبیق آثار و تحلیل‌های آنها که از جدول‌های شماره ۱ و ۲ نتیجه می‌شوند، در جدول شماره ۳ این موارد مقایسه شده‌اند.

۱. Leila Nasir (1941) نقاش و فعال اجتماعی سوریه.

۲. Neziha Selim (1927–2008) نقاش عراقی.

۳. Huda Lutfi (1948) نقاش و فعال اجتماعی مصری.

**جدول شماره ۳- تطبیق آثار زنان و مردان از جهت صوری و محتوایی - طراح: نگارندگان**

آثار زنان		آثار مردان	
محتوایی	صوری	محتوایی	صوری
- تخریب‌گری جنگ - آسیب‌های جنگ در همه زمینه‌ها و مخالفت با آن - برگشت اهداف خصمانه به خود - ناامنی و وحشت در بین همه اقشار جامعه	- رنگ‌های غالب: تیره، قرمز، خاکستری - استفاده از سلاح، سیم خاردار - نمادهای کودک، کبوتر، بناهای فرهنگی - حالت تعلیق و دربند بودن	- تخریب‌گری جنگ - احترام به شهیدان میهن - مخالفت با جنگ - ایجاد وحشت در همه اقشار جامعه (زنان و مردان و کودکان)	- رنگ‌های غالب: تیره و قرمز و خاکستری - حالت غم و وحشت و اضطراب در چهاره (اکسپرسیونیسم) - استفاده نمادین صلح و قربانیان جنگ (کودکان)

جدول شماره ۳ برگرفته از دو جدول توصیفی ۱ و ۲ است که ویژگی‌های صوری و محتوایی آثار مردان و زنان عرب به صورت تطبیقی در کنار هم آمده‌اند تا شباهت‌ها و تفاوت‌های این آثار بررسی شود. با توجه به ویژگی‌های به دست آمده از لحاظ صوری و محتوایی تقریباً آثار هنرمندان زن و مرد به یکدیگر نزدیک هستند. رنگ‌های استفاده شده در آثار، بیانگر ابراز اغراق گونه عواطف، استفاده از نمادهای مرتبط با موضوع، مضامین ضد جنگ و صلح طلبی و ...، و از نظر مضمون و محتوا نیز تخریب‌گری جنگ، آسیب‌های ناشی از جنگ، ایجاد ناامنی و وحشت در میان همه افراد را می‌توان اشاره کرد. بر این اساس تمایز شاخصی بین آثار نمی‌توان یافت.

با توجه به دیدگاه‌های موافقان و مخالفان شکل‌گیری زبان زنانه در آثار هنری و ادبی، در جدول شماره ۴ شاخص‌هایی بر این مبنا تعیین شده و سپس با توجه به آثار و ویژگی‌های صوری و محتوایی آنها به بررسی شکل‌گیری این زبان پرداخته شده است. در این جدول تنها به آثار زنان هنرمند پرداخته شده است؛ آثار هنرمندان مرد، همان‌گونه که قبلاً مطرح شد، تنها جهت تطبیق و یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌های میان آثار هنرمند زن و مرد به کار گرفته شد، زیرا یکی از تأکیدهای مهم مخالفان زبان زنانه در ارتباط با مقایسه آثار زنان و مردان شبیه‌بودن آثارشان به یکدیگر است.

**جدول شماره ۴- تطبیق شاخص‌های زبان زنانه و آثار زنان هنرمند معاصر عرب - طراح: نگارندگان**

زبان زنانه	شاخص‌ها	آثار	توضیحات
موافقان	مقید نبودن به قواعد حاکم بر هنر	ندارد	در نمونه‌های بررسی شده این ویژگی مشاهده نشد و هنرمندان بر طبق سبکی که در خلق آثار خود داشتند، از آن پیروی کرده‌اند.
	به تصویر کشیدن موجود خیالی	ندارد	موجود فراواقعی و ناموجود در نمونه‌ها مشاهده نشد.
	نمادهای پیچیده و مبهم	ندارد یا (تأحدی)	در این نمونه‌ها، نمادهای مختلفی با معانی متنوع و گاه مخالف، مثل جنگ‌افروزی و صلح، به کار رفته، اما آن قدر

توضیحات	آثار	شاخص‌ها	زبان زنانه
پیچیده نبودند که لایه درونی آنها مشخص نباشد، بلکه از نمادهایی ساده مثل کبوتر در آن استفاده شده بود.			
چندگونگی و بی‌نظمی در آثار به‌گونه‌ای که پیام را انتقال ندهد و نوعی بیان متمایز در آثار باشد، مشاهده نشد.	ندارد	چندگونگی و بی‌نظمی	
در هیچ‌یک از آثار، تابویی به معرض نمایش قرار داده نشد.	ندارد	نشان دادن تابوها	
در نمونه‌های موجود، پیکر شهدا یا کودکان به‌گونه مقدس و یا معصوم در معرض نمایش قرار داده شده است و زنان کاملاً پوشیده‌اند، اما از اندام به‌صورت برجسته به‌نحوی متمایز استفاده نشده است.	ندارد	موضوع قرارگرفتن تن و برجسته نمودن اندام‌ها	
برخی از ارزش‌های زیباشناختی را می‌توان در هماهنگی میان فرم و محتوا بررسیید. در این نمونه‌ها آثار در هماهنگی بودند و واجد صفت وارونگی ارزش‌های زیباشناختی نبودند.	ندارد	وارونه ساختن ارزش‌های زیباشناختی با برجسته کردن تناقضات	
در نمونه‌های بررسی‌شده موضوع تخریب‌گری همه جنبه‌های زندگی انسان به‌واسطه جنگ مشاهده شد، که می‌تواند نشان‌دهنده بی‌زاری از آن باشد، اما این بی‌زاری، معادل آنچه در فمینیسم تعریف شده نیست.	ندارد یا تاحدی	القای حس بی‌زاری چندش‌آور	
در نمونه‌های تحت بررسی، از تصاویر آشفته و یا گیج‌کننده استفاده نشده، بلکه تصاویر حتی آنجا از نماد استفاده شده است، گیج‌کننده نیستند.	ندارد	تصاویر آشفته و گیج‌کننده	
آثار بررسی‌شده هم از لحاظ انتخاب موضوع و محتوا و ویژگی‌های صوری شبیه هم هستند.	ندارد	شبیه نبودن به آثار مردان	
موضوعات متنوعی در نمونه‌های مورد بررسی مشاهده شد، اما در اینجا نمی‌توان آنها را به‌قدری خاص دانست که زبانی متفاوت را تشکیل دهند، بلکه موضوعات به موضوعاتی که هنرمندان مرد انتخاب کرده بودند، بسیار نزدیک بود؛ مثل کودک، زنان، شهیدان، ....	دارد	انتخاب موضوع و سوژه خاص، نه زبان متمایز	مخالفان
زاویه دید و تجربه‌های متنوعی در آثار هنرمندان مشاهده شد، هم به‌لحاظ فردی و هم اجتماعی.	دارد	تجربه‌های متفاوت از جهان	
به‌واسطه شیوه‌های آموزش متفاوت هنرمندان، سبک‌های متنوعی هم ایجاد شده که این تفاوت‌ها به‌دلایل مختلفی از جمله مهاجرت هنرمندان است.	دارد	تفاوت‌های شیوه آموزش و سبک‌های متنوع	



توضیحات	آثار	شاخص‌ها	زبان زنانه
با توجه به بررسی‌های جداول ۱ و ۲ و نتایج آنها در جدول ۳ این ویژگی را می‌توان منطبق بر این آثار دانست.	دارد	شبیه بودن آثار زنان به آثار دیگر دوران خود	

با توجه به بررسی‌های انجام گرفته بر روی آثار هنری زنان عرب با موضوع جنگ، این آثار با شاخص‌هایی که مدعیان وجود زبان زنان در آثار هنری قائل بودند، همسو نیست؛ زیرا بی‌نظمی و پیچیدگی‌ای که ناشی از توجه نکردن به ضوابط حاکم بر هنر و یا وارونه ساختن ارزش‌های زیباشناختی باشد، مشاهده نشد. در این آثار پرداختن به تابوها، اسطوره‌زدایی، استفاده خاص از تن و یا تصویر پدیده‌های ناموجود دیده نشد و نمادهای استفاده شده در آثار زنان واجد ویژگی پیچیدگی نیستند. نمادهای صلح، معصومیت، فرهنگ و تخریب‌گری جنگ وجود دارد و فاقد پیچیدگی است. ایجاد حس بیزاری تاحدی در آثار وجود داشت، اما ویژگی مشمئزکنندگی که فائلان زبان زنانه بر آن تأکید دارند، مشاهده نشد. آثار هنرمندان زن عرب در دو ویژگی فرم و محتوا به آثار هنری مردان هم‌دوره خود شباهت‌های زیادی دارند (ر.ک. جدول شماره ۳).

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی شکل‌گیری زبان زنانه در آثار هنری زنان معاصر عرب پرداخته و با هدف شناخت بیشتر هنر معاصر عرب در پی پاسخ این پرسش است که آیا زبان زنانه در آثار هنرمندان معاصر زن عرب شکل گرفته است؟ برای پاسخگویی به این پرسش، لازم بود تا آثار هنرمندان زن و مرد معاصر عرب با یکدیگر مقایسه شوند، اما با توجه به گستردگی آثار، موضوع جنگ در آثار، انتخاب شد تا پژوهش محدودتر و تخصصی‌تر شود. یافته‌های این مقاله بیانگر آن است که با فرض وجود زبان زنانه مد نظر فمینیست‌های پسامدرن، این زبان در موضوعی اجتماعی و همه‌گیر، مانند جنگ، محقق نمی‌شود و این نکته می‌تواند یکی از نقدهایی باشد که به این نظریه وارد است که زبان زنانه مد نظر آنان، جهانشمول و کلی نیست و در آثار همه زنان و با هر موضوعی محقق نمی‌شود؛ بنابراین، زبان زنانه‌ای که منجر به آثار تفاوت و متمایزی شود که موافقان وجود زبان زنانه مدعی شده‌اند، در نمونه‌های بررسی شده مشاهده نشد و تنها می‌توان به تنوعی در دید هنرمندان اشاره کرد.

## منابع

پروانه، علی. سلیمی، علی. (۱۳۹۶). «زنان‌سرایی در شعر عربی، روندی نوظهور با پیشینه‌ای کم‌رنگ (با تکیه بر دیدگاه‌های نقدی عبدالله غدامی)»، پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ویژه‌نامه

- فرهنگ، ادب و هنر. صص ۲۳-۴۵.
- تقدمی نوغانی، زهرا، عزتی، ابراهیم (۱۳۹۵). «بررسی ویژگی‌های زبان زنانه در مقایسه با زبان مردانه در ترجمه رمان»، دوفصلنامه تخصصی مطالعات داستانی، سال چهارم، شماره اول، صص ۲۵-۳۸.
- روشنفکر، کبری. و دیگران. (۱۳۹۲). «بررسی گونه کاربردی زبان زنانه در مرثیه معاصر (با تأکید بر مرثیه‌های سعادت صباح)»، فصلنامه جستارهای زبانی، دوره ۴، پیاپی ۱۶، صص ۱۱۱-۱۳۶.
- شریعتی مزینانی، سارا. مدرس صادقی، مریم (۱۳۹۰). «بازنمایی زن در آثار زنان نقاش معاصر ایران (با تأکید بر نگاه جنسی به زن)»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، سال سوم، شماره دوم، صص ۳۵-۵۴.
- طاهری، قدرت‌الله (۱۳۸۸). «زبان و نوشتار زنانه؛ واقعیت یا توهم؟»، فصلنامه زبان‌و ادب پارسی، شماره ۴۲، زمستان ۸۸، صص ۸۸-۱۰۷.
- طایفی، شیرزاد. سلطانیان، مجتبی (۱۳۹۴). «بررسی زبان زنانه و مردانه در رمان سووشون برپایه نظریه لیکاف». نامه نقد. مجموعه مقالات سومین همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران.
- علی محمدی اردکانی، جواد. ادراکی، مرجان (۱۳۹۵). «مطالعه صورت‌بندی مؤلفه‌های آثار نقاشی زنان در ایران در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱-۲۸.
- علی مددی، مهنوش. مریدی، محمدرضا (۱۳۹۶). «تاریخ غایب زنان نقاش ایران: مطالعه جامعه‌شناختی زنان نقاش؛ از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره ۹، شماره ۱، صص ۷۹-۱۰۷.
- کرس میر، کارولین (۱۳۹۰). *فمینیسم و زیبایی‌شناسی (زن در تحلیل‌ها و دیدگاه‌های زیبایی‌شناختی)*. مترجم افشنگ مقصودی، چ دوم. تهران: گل‌آذین.
- مریدی، محمدرضا. تقی‌زادگان، معصومه (۱۳۸۸). «نقاشی زنان؛ نقاشی زنانه مقایسه به کارگیری شگردهای بصری و سبک‌های هنری در نقاشی زنان و مردان»، پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۱، صص ۱۲۹-۱۴۹.
- مک‌آفی، نول (۱۳۹۲). *ژولیا کریستوا. ترجمه مهرداد پارسا*. چ دوم. تهران: مرکز.
- Abbott Pamela and Claire Wallace (2005). *An Introduction to Sociology Feminist Perspectives*. 2<sup>nd</sup> ed. New York: Routledge.
- Bloomfield, Elizabeth A (2015). "Gender Role Stereotyping and Art Interpretation". MA (Master of Arts) thesis, Thesis Supervisor: Clinical Associate Professor Clara M. Baldus University of Iowa.
- Brancati, Dawn (2018). "Five Ways Art and War are Related". <https://politicalviolenceataglance.org/2018/01/05/five-ways-art-and-war-are-related/>
- Gilligan, Carol (1993). *In a different voice: psychological theory and women's development*. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Heywood, Andrew.(2012). *Political Ideologies: An Introduction*. Palgrave Macmillan.
- Irigaray, Luce (1993). *Sexes and Genealogies*. G.C. Gills (Trans.). New York: Columbia UP.
- Irigaray, Luce (1985). *Speculum of the Other Woman*. G.C. Gills (Trans.). Ithaca: Cornell UP.
- Krolokke, Charlotte; Sorensen, Anne Scott (2005). "Three Waves of Feminism: From Suffragettes to Grrls". *Gender Communication Theories and Analyses: From Silence to Performance*. Sage.
- Lakoff, Robin (1973). "Language and Woman's Place". *Language in Society*. Vol.2, No, 1, pp 45-80. Cambridge: University Press. Accessed: 15/4/2009.
- Lengermann, Patricia & Niebrugge Gillian. (2011). "Feminism ". *The Concise*

- Encyclopedia of Sociology. Edited by George Ritzer and J. Michael Ryan. 223-4. Wiley- Blackwell Publication.
- Leslie, Heywood; Drake, Jennifer (1997). *Third Wave Agenda: Being Feminist, Doing Feminism*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Lutfi, Dina (2019). "Bridging the Gap between Modern and Contemporary Arab Art and Arab People". *International Journal of Art and Art History* June 2019, Vol. 7, No. 1, pp. 6-11.
- Lutsky, Vladimir (1960). *Modern History of the Arab Countries*. Translated from Lika Nasser. Moscow: Progress Publishers.
- Nochlin, Linda (1989). *Woman, Art, and Power and Other Essays*. United Kingdom: Westview Press.
- Reger, Jo (2011). "Feminism, First, Second, and Third Waves". *The Concise Encyclopedia of Sociology*. Edited by George Ritzer and J. Michael Ryan. 224-5. Wiley- Blackwell Publication.
- Toukan, H (2010). "ON Being the Other in Post-Civil War Lebanon: Aid and the Politics of Art in Processes of Contemporary Cultural Production". *The Arab Studies Journal*, 18(1), 118-161. Retrieved December 23, 2020, from <http://www.jstor.org/stable/27934080>
- <https://hayvkahraman.com/project/works-on-paper/>
- <https://www.barjeelartfoundation.org/collection/mona-hatoum-infinity/>
- <https://www.barjeelartfoundation.org/collection/>
- <https://www.syriauntold.com/2013/09/19/wissam-al-jazairy/>
- <https://www.azzawiart.com>
- <https://www.en.syriaartasso.com/artists/amr-fahed>
- <https://www.iraqi-art.com/gallery/>
- <https://www.iraqiart.com/gallery/gallery2.html>
- <https://www.syriauntold.com/2013/09/19/wissam-al-jazairy>
- <https://www.tammamazzam.com/>
- <https://www.louaykayali.com/home.htm>
- <https://www.al-bab.com/artwork/naim-ismail>
- <https://www.thurayaalbaqsami.com>
- <https://www.ifaaleiby.com>
- <https://www.tamam-alakhal.com>
- <https://www.encyclopedia.mathaf.org.qa/en/bios/Pages/Inji-Efflatoun.aspx>
- <https://www.souadjundi.com/contact.php>
- <https://www.barjeelartfoundation.org>
- <https://www.artnet.com/artists/nezaha-selim>
- <https://www.barjeelartfoundation.org/artist/egypt/huda-lutfi>